

داکتر ایرج آگلدوزیان ★

«دلیل باطل و آثار آن در سیستم‌های حقوقی مختلف»

یکی از موضوعات مطروح در سیزدهمین کنگره بین‌المللی حقوق تطبیقی، که توسط آکادمی بین‌المللی حقوق تطبیقی از ۱۹ تا ۲۴ اوت ۱۹۹۰ در مونترآل کانادا برگزار گردید، موضوع «قواعد حاکم بر دلیل» بود. گزارش ملی ایران در آن موضوع توسط اینجانب به‌زبان فرانسه تهیه و در کنگره مزبور تکثیر و منتشر گردیده است، در این مقاله سعی بر آن است که علاوه بر بیان موقعیت حقوق ایران در زمینه دلیل، مطالعه‌ای تطبیقی نیز بر اساس نظرات مطروح در جلسات کنگره در نظام‌های مختلف حقوقی بعمل آید.

مقدمه :

در امور کیفری، قواعد حاکم بر ابطال دلیل در محدوده مقررات آیین دادرسی کیفری و حقوق اساسی قابل طرح است. حقوق داخلی ایران عمدتاً مبتنی بر شریعت اسلام است و کیفیت و ارزش دلایلی که در مورد هر جرمی مورد قبول قرار می‌گیرد، در قانون معین شده است. بنابراین در حقوق ایران سیستم، دلایل قانونی مطرح است. انواع دلایل مورد قبول، بر حسب انواع جرایم، متفاوت است. اقرار، گواهی (شهادت) سوگند، قسامه، علم قاضی، معاینه محلی، کارشناسی و نوشته (سند) به‌عنوان دلیل پذیرفته شده‌اند.

در فصل اول گزارش ملی، که به‌کنگره بین‌المللی حقوق تطبیقی

تقدیم و مطرح گردید، حاکمیت دلایل قانونی در جرایم علیه تمامیت جسمانی، مانند قتل و جرح و ضرب مستوجب قصاص یا دیه، که منشاء و مبنای فقهی داشته و در قانون حدود و قصاص و مقررات آن و قانون مجازات اسلامی دیات مصوب ۱۳۶۱ پیش‌بینی گردیده است، مطرح شد.

سپس انواع دلایل در جرایم حد مانند زنا، شرب خمر، اقدام علیه امنیت کشور (محاربه و افساد فی الارض) و سرقت مستوجب حد مطرح گردید.

در فصل دوم گزارش ملی، قلمرو دلایل قانونی در جرایم تعزیری بیان شده و کیفیت تحصیل دلیل توسط دادسرا در قبال تضمینات موجود برای تامین دفاع متهم مورد توجه قرار گرفت.

در قسمتی از این فصل، از تضمین‌های کیفری قانونی در قبال سوء-استفاده از اختیارات و تأثیر آنها در اعتبار یا بطلان دلایل و ضمانت اجرای کیفری مربوط بحث شده است. بعلاوه ضمانت اجرای قانونی درباره دلایلی که به‌طریق غیر قانونی تحصیل شوند و همچنین مقررات قانونی در مورد لزوم صداقت در تحصیل دلیل مورد بحث و بررسی واقع شده است.

در پایان، در قسمت نتیجه‌گیری، بر لزوم هماهنگی و انطباق قوانین حاکم بر دلایل با موازین اسلامی تأکید شده است.

اکنون، با عنایت به اینکه خلاصه‌ای از گزارش ملی حقوق ایران در گزارش کلی مخبر کل مطرح گردیده است، در این مقاله سعی می‌شود که ضمن مطالعه تطبیقی موضوع با استفاده از گزارش کلی، حقوق ایران نیز مطرح شود. نهایتاً در مواردی که موضوع در حقوق ایران حالت استثنایی و انحصاری داشته باشد، ضمن فصل معینی، با توجه به مواد قانونی، موقعیت فعلی حقوق ایران مطرح می‌گردد.

بدین ترتیب فصل اول این مقاله به کیفیت ابطال دلیل در سیستم کامن‌لا و فصل دوم به موارد ابطال دلیل در حقوق کشورهای اروپای بری (حقوق نوشته) اختصاص می‌یابد.

در فصل سوم، نظام دلایل قانونی در حقوق ایران که به جهت خصوصیت مذهبی بودن ویژگی‌هایی دارد - یعنی نظام قانونی بودن دلیل در جرایم مستلزم حد و قصاص و نظام آزادی تحصیل دلایل مبتنی بر قانون در جرایم تعزیری، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل اول - دلیل در نظامهای کامن‌لو :

منشاء دکتترین قواعد انحصاری حاکم بر دلیل، ضوابط آیین دادرسی کیفری در حقوق انگلیس است که قلمرو آن بیشتر با رویه قضایی در حقوق آمریکا و تا حدودی هم با رویه قضایی در حقوق کانادا گسترش یافته است.

اکنون با استفاده از گزارشهای ملی کشورهای پیرو سیستم کامن‌لا به ذکر چند مثال از کشورهای مختلف می‌پردازیم:

۱- کیفیت تحصیل دلیل در حقوق انگلیس :

در حقوق انگلیس، بین مسایل حکمی و مسایل موضوعی تفاوت وجود دارد. مسایل حکمی در محدوده کار قاضی است؛ لیکن مسایل موضوعی در جرایم مهم، در صلاحیت هیئت منصفه، و در جرایم کم‌اهمیت در اختیار مقامهای قضایی است. در پرونده‌های مطروح در برابر هیئت منصفه، در غیاب اعضای هیئت مزبور، قاضی در مورد قبول یا رد دلایل مطروح در پرونده اتخاذ تصمیم می‌کند. این مسأله تنها ناشی از «کامن‌لا» نمی‌باشد، بلکه از مقررات دیگری به ویژه قانونی موسوم به قانون پلیس و دلایل کیفری ۱۹۸۴^۱ ناشی می‌گردد.^۲ به موجب ماده ۷۶ قانون مزبور، یک اقرار خارج از دادگاه (اعتراف) در صورتی قابل قبول است که مرجع وارد کننده اتهام بتواند ثابت کند که

1- Police and Criminal evidence act 1984.

2- Dr. Roderick Munday, Rapport National, cité dans Le Rapport General 1990, p. 6.

اعتراف را تحت فشار یا با استفاده از وسایل غیر قابل اعتماد بدست نیاورده است. در این جا این امر مطرح می گردد که آن دسته از دلایل، به ویژه اقرار که قاضی آنها را غیر قابل قبول اعلام نموده است نباید به آگاهی اعضای هیئت منصفه برسند. حال باید دید آیا مرجع وارد کننده اتهام می تواند در جلسه رسیدگی ماهوی از اقرار خارج از دادگاه بهره برداری کند یا خیر؟

الف) دلایل غیر قابل قبول :

دلایل مشروح زیر قابل قبول نیستند:

– دلایل مربوط به سوء شهرت متهم، یعنی سوابق وی، وقتی که با موضوع تحت رسیدگی بدون ارتباط باشد. اما این قاعده نفی دلیل، همانند سایر قواعد، دارای استثنائاتی است: از جمله دلیل ارتکاب اعمال خاص دیگری، که در جهت اثبات اتهام بوده و حاکی از آن باشد که متهم بزهکار است، قابل قبول است.

استثنای دیگر، به احراز شرایط پیش از ارتکاب جرمی که متهم باید جوابگوی آن باشد مربوط است. مانند احراز عمل رانندگی یک اتومبیل در جریان ارتکاب جرمی بدون ارتباط با موضوع پروانه رانندگی، یا وقوع سرقت، که باید سابق بر مخفی کردن اشیای مسروقه باشد^۱.

Theft act 1968, Section 27(31).

– سوالاتی که متهم در مورد حسن شهرت خود از شهود نموده باشد، دلیل به حساب نمی آیند^۲.

– دلیل تحصیل شده از مسموعات و دلیل معطوف به یک شهادت قبلی مردود است^۳. ولی بر این قاعده نیز استثنائاتی وارد است.

۱- به صفحه ۶ گزارش کلی سیزدهمین کنگره بین المللی حقوق تطبیقی، کانادا ۱۹۹۱، که آقای Professeur Jean Gauthier بر اساس گزارش ملی آقای Dr. Roderick Munday تنظیم نهوده مراجعه شود.

۲- Criminal Evidence act 1898. Section 1 (F).

۳- Hearsay and Narrative Evidence.

– دلیل حاصل از يك عقیده (شخصی) نیز قابل قبول نیست. ولی با وجود این، متهم می‌تواند دلیل حسن شهرت خود را عنوان نماید و يك کارشناس می‌تواند همانند يك شاهد در مورد موضوعی که معلومات خاصی را اقتضا می‌کند، مورد پرسش و استماع مرجع قضائی قرار گیرد، اقرار – های متهم در خارج از مرجع قضایی (اعترافات) ممکن است، به عنوان دلیل، توسط مرجع وارد کننده اتهام عرضه شود. لیکن، مرجع وارد کننده اتهام باید مقبولیت دلیل را در شرایطی که اقرار به عمل آمده ثابت نماید.

– اما علاوه بر قواعد نفی دلیل، قاضی اختیار نفی ورد دلیلی را که قبول آن از نظر وی غیر منصفانه (unfair) است دارد. این اختیار تقویم و تشخیص، علاوه بر اختیاراتی است که مقررات ماده ۷۸ قانون PACE برای قاضی شناخته است. طبق ماده مزبور، دادگاه می‌تواند دلیل عرضه شده توسط مرجع وارد کننده اتهام را با توجه به اوضاع و احوال و شرایط تحصیل دلیل، به این عنوان که قبول چنین دلیلی واجد اثری مغایر با تضمین يك دادرسی عادلانه و منصفانه است، رد کند؛ مانند نقض قواعد مربوط به بازجوئی از يك فرد مظنون، اخذ اقرار با توسل به حيله و تقلب (ماده ۵۸ PACE).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ب) تحصیل دلیل به طریق غیر قانونی:

علی‌رغم اختیار تقویم و تشخیص اعطائی به قاضی، وجود چنین اختیاراتی به قاضی اجازه نمی‌دهد که يك دلیل تحصیل شده از طریق غیر قانونی را رد کند. بنابراین، دلایل بدست آمده از طریق تفتیش غیر قانونی مخفیانه توسط پلیس با توسل به حيله، یا با مداخله يك مامور تحریک کننده دیگری به ارتکاب جرم، بر طبق «کامن لا» قابل قبول است. در این مورد فایده تعقیب بز هکاران، بر حقوق فردی ناشی از حمایت در مقابل تفتیش‌های غیر قانونی و عملیات نظیر آن برتری دارد. بر طبق نظر گزارشگر ملی، هنوز زود است که گفته شود ماده ۷۸ PACE

حقوق انگلیس را در این مورد تغییر داده است.^۱ نفی و رد دلیل می‌تواند به‌انگیزه حفظ منافع عامه باشد، به‌طور مثال دفاتر اندیکاتور پلیس باید هویت اشخاص را حفظ نموده و از این جهت مورد بهره‌برداری قرار نگیرد. ولی وقتی انتشار هویت افراد برای اثبات بیگناهی شخصی که در زندان است ضروری باشد، مرجع واردکننده اتهام می‌تواند از این قبیل منابع اطلاعاتی استفاده نماید.

در پایان شایان ذکر است که در حقوق انگلیس مبنای قواعد نفی و رد دلیل، در حد وسیع «کامن‌لا» است. لیکن رویه قضایی دادگاهها و مداخله قانونگذار، تغییرات زیادی در آن داده‌اند. به‌هر حال، در مواردی، ممنوعیت قبول دلیل از طریق شیاع، ممکن است به‌بی‌عدالتی‌های مهمی منجر شود. بدین لحاظ دادگاهها، وقتی کیفیات و شرایط امر آنها را به نفی و طرد یک دلیل می‌کشاند، تقریباً، عالماً عامداً چشمان خود را بسته و به‌چنین دلیلی اعتبار می‌دهند. در همین جهت قانونگذار انگلیس، در جریان اصلاحات قانونی اخیر، قواعد نفی و رد دلیل را، که مشکلات زیادی ایجاد می‌کنند، یا محدود یا حتی حذف کرده است.

۲- بطلان دلیل در حقوق ایالات متحده آمریکا:

در حقوق ایالات متحده آمریکا، منبع قواعد حاکم بر نفی و رد دلیل، در کنترل قضایی به‌ویژه در کنترلی است که دیوان عالی در قوانین موضوعه قوانین اساسی ایالات و در مقررات قانون اساسی فدرال به‌عمل می‌آورد. در این مورد، چهارمین اصلاحیه قانون اساسی که حقوق شهروندان را در قبال هرگونه تفتیش و ضبط و توقیف غیرمعقول تضمین می‌کند و پنجمین اصلاحیه، که طبق آن هیچ‌کس مجبور به‌ادای شهادت علیه خود نیست و چهاردهمین اصلاحیه که طی آن هیچ ایالتی نمی‌تواند کسی را از حق حیات خود، آزادی خود یا اموال خود بدون جریان

1- Dr. Roderick Munday. Rapport National, Cite dans le Rapport Général 1990, p. 71.

صحیح قانونی محروم کند را می‌توان متذکر شد.^۱
 آقای پروفیسور پائول مارکس^۲ می‌نویسد: در سال ۱۹۱۴ دیوان عالی در مورد یک تعقیب قضایی فدرال رأی داده است که چهارمین اصلاحیه قانون اساسی، استناد به دلیلی را که با تفتیش و توقیف غیر قانونی تحصیل شده بود منع می‌کند^۳ و^۴.

در سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۶ دیوان عالی رأی داده است که چهارمین و پنجمین اصلاحیه قانون اساسی در مورد تعقیب‌های قضایی معمول توسط ایالات نیز قابل اعمال است.

مع‌هذا، امتیاز مزبور، در مواردی که متهم توقیف شده و تحت استنطاق توسط پلیس بوده و از حقوق خود در حفظ سکوت، و برخورداری از معاضدت یک وکیل به انتخاب خود یا وکیل تسخیری مطلع نشده باشد، رعایت نمی‌گردد و لذا چنانچه متهم حرف بزند، بیانات او ممکن است علیه او در جلسه دادرسی بکار گرفته شود.

قواعد حاکم بر نفی و رد دلیل در حقوق آمریکا، موارد اجرایی متفاوت دارد. از یک طرف تعداد کثیری از درخواستها را تقاضای ابطال دلایل غیر قانونی تشکیل می‌دهد. ولی تقریباً کلیه درخواستها رد می‌شود. تنها تعداد کمی هم که قبول می‌شود مربوط به بطلان دلایل محکومیت علیه افراد بسیار خطرناکی است که تبلیغات مهمی در مورد آنها به عمل می‌آید. دیوان عالی محدودیتهایی را نسبت به قواعد حاکم بر نفی و رد دلیل تحمیل نموده است. اولین محدودیت مربوط است به دکترباه اشتباه غیر مضر (Harmless Error) که موجب بطلان محکومیت نمی‌شود. محدودیت

1- Alain A. Levasseur, La Version de la constitution des Etats - Unis annexe du Précis Dalloz, Droit des Etats - unis.

2- Paul Marcus

3- Professeur paul Marcus "Rapport National sur le droit américain" cité dans le Rapport general, 1990, p. 8.

4- Weeks v. United States, 232, U.S. (1914).

دیگر، مربوط به اشخاصی است که قواعد نفی و رد دلیل نسبت به آنان قابل اجراست، ولی قواعد مزبور معمولاً نسبت به محکومینتهای صادره قبلی تأثیر ندارد. سومین محدودیت راجع است به افراد پلیسی که تصور داشته‌اند حکم تفتیش متکی بر قراین کافی مجرمیت (Probable Cause) بوده‌است، در حالی که دادگاه‌ها به نحو دیگری اتخاذ تصمیم نموده‌اند. براساس گزارش روزنامه‌های خارجی، دیوان عالی آمریکا در ۲۸ فوریه ۱۹۹۰ چنین اتخاذ تصمیم نموده‌است که مقامات آمریکایی حق دارند با فقدان هرگونه نمایندگی قضایی مبادرت به تفتیش اقامتگاه اتباع خارجی نموده و در خارج از قلمرو ایالات متحده آمریکا به ضبط و توقیف مدارک اقدام نمایند.^۱

گزارشگر ملی (آمریکایی) با توجه به ملاحظات سیاست کیفری تأیید می‌کند که قاعده حاکم بر نفی و رد دلیل وسیله خوبی برای جلب احترام به قانون نیست. سپس این سؤال را مطرح می‌کند که «آیا ضمانت اجراهای مدنی علی‌رغم آنکه تاکنون هیچگونه نقشی را ایفا نکرده‌اند ترجیح ندارند؟ به هر صورت، حقوق افراد نسبت به زندگی خصوصی و آزادی باید مورد احترام بوده و دولت نتواند قوانین خاص خود را نقض کند»^۲.

(۳) تحصیل غیر قانونی دلیل در حقوق کانادا :

در حقوق کانادا قاعده حاکم بر نفی و رد دلیل تحصیل شده به طریق غیر قانونی در رای (WRAY) (1971) R.C.S. 272 (WRAY) مورد بررسی واقع شده است. بنابه گزارش ملی (کانادایی) آقای پروفیسور Ronald J. Delisle اکثریت قضات دیوان عالی رای برائت صادره از دادگاه تالی را در مورد متهم به قتل را به این جهت که اعتراف گرفتن از متهم تحت بازجویی توسط پلیس و الزام او به نشان دادن محلی که اسلحه به کار رفته در ارتکاب

1- Le Monde, Vendredi, 2 mars 1990. p. 6.

2- Professeur Paul Marcus "Rapport national sur le Droit américain" cité dans le rapport general, 1990, p. 10 et s.

جنایت را انداخته به طریق غیر قانونی انجام گردیده نقض نموده است. اکثریت قضاات دیوان عالی مشروعیت تحصیل دلیل را مورد نظر قرار داده‌اند.^۳

شاید بتوان گفت که اصطلاح «هدف وسیله را توجیه می‌کند» بر قاعده نفی و رد دلیل تحصیل شده به طریق غیر قانونی از نظر قضاات دیوان عالی ترجیح داشته است.

کشور کانادا، در سال ۱۹۸۲ منشور کانادایی حقوق و آزادیهای فردی را به عنوان جزء لاینفک قانون اساسی خود پذیرفته است. ماده ۲۴ منشور مقرر می‌دارد که :

۱- شخص قربانی نقض یا انکار حقوق یا آزادی‌هایی که در این منشور برای وی تضمین گردیده است می‌تواند برای دریافت خسارتی که دادگاه، با توجه به اوضاع و احوال، مناسب و عادلانه بداند به دادگاه صلاحیتدار مراجعه کند.

۲- وقتی در محاکمه مذکور در بند ۱، رای دادگاه حاکی از آن باشد که کیفیت تحصیل دلیل در شرایطی بوده است که به حقوق یا آزادیهای تضمین شده در این منشور لطمه وارد می‌کند، در صورتی که با توجه به اوضاع و احوال ثابت شود که استناد به آنها می‌تواند اجرای عدالت را به مخاطره اندازد، چنین دلایلی نفی و رد می‌گردند.

باید متذکر شد که حمایت از حقوق تضمین شده در منشور، مطلق نیست. قانون می‌تواند استثنائهای قابل توجیهی نسبت به آن وارد کند. مهمترین تضمینی که در مورد دلیل تحصیل شده از طریق غیر قانونی اتخاذ گردیده، رای صادره از دیوان عالی در پرونده

R.C. Collins ((1987) 56 C.R. (3d) 193 (S.C.C.)).

مربوط به ضبط هروئین است. برای مردود شناختن يك دليل، به موجب فصل دوم ماده ۲۴ منشور، لازم نیست که اجرای عدالت واقعاً به مخاطره

3- Professeur Rolan J. Delisle, "Rapport National, sur le Droit canadien" cité dans le rapport general 1990. p. 10.

افتاده باشد، بلکه کافی است که اثر آن قادر به ایجاد چنین موقعیتی باشد. گزارشگر ملی در پایان گزارش خود چنین نتیجه گیری می کند که قاعده نفی ورد دلیل در حقوق کانادا، در جهت جلوگیری از بی نظمی در جمع آوری دلیل توسط پلیس نبوده، بلکه حاکی از آن است که حقوق اساسی اهمیت زیادی برای حقوق و آزادی های فردی قایل است.

۴- آثار تحصیل دلیل غیر قانونی در حقوق استرالیا :

در حقوق استرالیا، مراجع قضایی کیفری توسط ایالات اداره میشوند. سه ایالت دارای مجموعه قوانین جزایی می باشند و سه ایالت سیستم مبتنی بر کامن لارا، که با قانون تغییر یافته، پذیرفته اند. دیوان عالی نقش مرجع پژوهشی را نسبت به آرای صادره توسط دادگاه های ایالتی و فدرال و مدنی به عهده دارد. رویه قضایی نقش مهمی را در توسعه قواعد نفی و رد دلیل ایفا نموده است.^۱

دلیل سوء شهرت متهم برای اجتناب از تحت تاثیر قرار دادن هیئت منصفه قبول نمی شود. مع هذا، وقتی متهم دلیل حسن شهرت خود را مطرح سازد، یا علیه شاهدهی در دادگاه شهادت دهد، یا متهمین چندین نفر باشند و دلیل مجرمیت یک نفر و بیگناهی نفر دیگری مطرح شود، برای اثبات امور مشابه یا حتی جرایم دیگری همطراز آنچه که به متهم نسبت داده شده، چنین دلیلی قابل قبول است. کسب دلیل از طریق شایعه منتفی و مردود است.^۲

گزارشگر ملی در پایان گزارش خود می نویسد که: «گرایش رویه قضایی این است که دلایل در محدوده وسیعتری مورد قبول واقع شوند، تا آنجا که می توان گفت قاعده نفی و رد دلیل به نفع اختیار قاضی در قبول دلیلی که بتواند به کشف حقیقت کمک کند می باشد»^۳.

1- Professeur Eilis S. Manger (rapport sur le Droit Australien) cité dans le rapport général, p. 12 et s.

2- Ibid, p. 12.

3- Ibid, p. 13.

۵- دلیل در حقوق اسرائیل :

کشور ما، ماهیت دولت اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد، لکن چون موضوع بطلان دلیل در نظامهای مختلف حقوقی در کنگره بین‌المللی حقوق تطبیقی مطرح گردید، لذا از نظر اطلاع از مسائل مطروح خلاصه‌ای از گزارش استاد حقوق مربوط بیان می‌شود.

از گزارش ملی چنین برمی‌آید که حقوق اسرائیل تحت نفوذ حقوق انگلیس است. زیرا در اسرائیل حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری به‌طور گسترده تابع کامن‌لا می‌باشد، هرچند که قانونگذار اصلاحاتی در آن صورت داده است. رسیدگی به‌امور کیفری با دادگاههای عادی سه‌درجه‌ای است. هیات منصفه وجود ندارد. دادگاهها دارای قضات حرفه‌ای هستند و دادگاههای ناحیه‌ای، دعاوی کیفری را به‌صورت تدافعی و علنی مورد رسیدگی قرار می‌دهند. دادگاههای درجه دوم گاهی مرجع استینافی آراء صادره از دادگاههای درجه اول هستند. مقر دیوان عالی که در آخرین مرحله اتخاذ تصمیم می‌کند در اورشلیم است.

حقوق حاکم بر دلیل مدون نیست. در اصل، دلیلی که زمینه دعوی را روشن سازد قابل قبول است. قواعد نفی و رد دلیل متکی بر این طرز تفکر است که نباید به هر قیمتی به دنبال حقیقت بود، ارزشهایی وجود دارند که جامعه ناگزیر است به آنها احترام بگذارد.

گزارشگر می‌نویسد: «آیا باید یک بزهکار را به‌خاطر قصوری که پلیس مرتکب آن شده آزاد نمود؟ اصولاً، در حقوق اسرائیل دلیل تحصیل شده به‌نحو غیرقانونی، قابل قبول است. به‌هر حال، تحصیل یک دلیل مادی مثل کشف مواد مخدر ضمن تفتیش غیرقانونی، اعتبار دارد».

یک قانون در سال ۱۹۷۹ "Secret Monitoring Law" مصونیت مکاتبات و زندگی خصوصی را مقرر می‌دارد.

1- Les Professeurs Eliahu Harnon et Anat Horovitz "Rapport sur le Droit Israelien" cité dans le rapport general, p. 13 et s.

يك قانون مصوب در سال ۱۹۸۱ حمایت از زندگی خصوصی را تنظیم می‌کند. در اصل، تحصیل دلایل از طریق نقض قوانین مزبور، غیرقابل قبول می‌باشد. مع‌هذا، دیوان عالی می‌تواند براساس اهمیت نقض قانون و جرم تحت رسیدگی دلیل را قبول نماید. بالاخره، دلایلی که در نتیجه مداخله غیرقانونی به‌طور غیر مستقیم تحصیل گردیده‌اند قابل قبول باقی خواهند ماند.

بدین ترتیب، در اسرائیل نیز قاعده نفی و رد دلیل اهمیت خود را از دست داده است. خطر تحت‌تأثیر قرار دادن هیئت منصفه به‌جهت فقدان آن منتفی است. با وجود این، حتی قضات حرفه‌ای ممکن است اشتباه نمایند. بعضی توصیه‌ها می‌کنند که قواعد حاکم بر دلیل، بجای حذف، انعطاف پذیر گردند. اصلاحات قانونی در جریان تصویب در جهت این گرایش می‌باشد.

۶- دلیل در حقوق آرژانتین :

گزارش ملی کشور آرژانتین حاکی از ترکیب سیستم کامن لا و حقوق کشورهای اروپایی در آرژانتین است. بنابراین، قانون و رویه قضایی هر دو حاکم است. از نظر قانونی استناد دادگاه به گواهی شاهدهی که موظف به حفظ اسرار شغلی بوده ممنوع است. ضمانت اجرای عدم رعایت تشریفات دادرسی بطلان است. عکس‌العمل دادگاهها در مورد نقض قانون عادی و نقض تضمینات قانون اساسی متفاوت است.

گزارشگر آرژانتینی ضمن قبول قاعده «نفی و رد حاکم بر دلیل» در جهت حفظ حقوق اساسی می‌نویسد: «در واقع کافی نیست که قانون اساسی با بخشندگی، حقوق متهم را به رسمیت بشناسد، بلکه باید حقوق وی را عملاً به‌مورد اجرا بگذارد. قاعده نفی و رد دلیل در حفظ حقوق متهم سهمی دارد. برای شهروندان شناخت محدوده حقوق خود و برای مقامات عمومی شناسایی حدود اختیارات آنان را ممکن می‌سازد».

1- Maître Alejandro D. Carrio "Rapport sur le Droit Argentin" cité dans le rapport général, p. 15 et s.

فصل دوم : موارد بطلان دلیل در کشورهای حقوق نوشته

در کشورهای حقوق نوشته، دکترین، الهام‌بخش قانونگذار و رویه قضایی کیفری در جهت اعلام نقض و عدم رعایت تشریفات دادرسی است که گاهی منتهی به بطلان اقدامات انجام شده و گاهی اعلام نقض حقوق اساسی می‌گردد. مقررات عمومی قانونگذاری جدید ایتالیا در ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۸ در مورد تحصیل دلیل به طریق غیرقانونی مقرر می‌دارد که دلایل تحصیل شده با نقض حقوق دفاع (متهم)، قابل استناد نبوده و خصوصیت غیرقابل استناد بودن چنین دلایلی در تمامی مراحل دادرسی و بوسیله هر مرجعی در هر درجه‌ای رأساً قابل طرح است.

اصل سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ (۱۹۸۰) هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع را ممنوع اعلام نموده و اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند را غیر مجاز و چنین شهادت و اقرار و سوگندی را فاقد ارزش و اعتبار و متخلف از اصل مزبور را طبق قانون مستوجب مجازات دانسته است. در اجرای همین اصل، ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، اذیت و آزار بدنی متهم را برای اجبار وی به اقرار مستوجب حبس از ۶ الی ۳ سال دانسته و اگر نتیجه اذیت و آزار، فوت متهم باشد، مرتکب، مجازات قاتل و آمر، مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

در حقوق فرانسه، رویه قضایی و دکترین محدودیت‌های ناشی از موازین اصولی را علاوه بر محدودیت‌های قانونی حاکم بر اصل آزادی دلیل، مورد قبول قرار می‌دهند.^۱ قاضی در امور کیفری نمی‌تواند اعتقاد باطنی خود را براموری متکی سازد که در جریان رسیدگی به‌طور قانونی

۱- دکتر ایرج گلدوزیان «کیفیت تحصیل در حقوق جزای فرانسه، فصل‌نامه حق» دفتر پنجم ص ۱۴۰ به بعد.

تحصیل نگردیده و به بحث آزاد طرفین در دعوی گذارده نشده است. بدین ترتیب، براساس ضوابط قانونی داخلی و ماده ۳ قرارداد اروپایی حقوق بشر، قاضی از صدور دستور تحصیل دلایل ممنوعه مانند اعمال شکنجه ممنوع گردیده است. همچنین بکاربردن شیوه‌های علمی برای بدست آوردن اقرار یا کشف دروغ ممنوع است. در مقابل، دادگاه‌های فرانسه خود را در مورد استفاده از ضبط صوت و ضبط مکالمات تلفنی و میکروفون، موافق نشان داده‌اند. با وجود این دادگاه‌های مزبور استفاده از روشهای متقلبانه را محکوم می‌نمایند.^۱

استماع مکالمات تلفنی توسط پلیس قضایی مورد انتقاد دکتربین می‌باشد، اعم از اینکه به ابتکار شخصی و یا بر طبق دستور بازپرس انجام شود، فاقد مبنای قانونی است. تصمیم دیوان کشور فرانسه در مورد استماع مخفیانه که بازپرس آن را اجازه نداده است، همچنین تصمیم دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد استماع مستند به دستور بازپرس، حاکی از این امر است که توسل به چنین طرقی با ماده ۱۸ قرارداد اروپایی حقوق بشر مغایرت دارد. بنابراین بر قانونگذار فرانسه است که در این مورد اقدام

1- Professeur Jean Gauthier, "Les règles d'exclusion relative à la preuve" Rapport général, 13e Congrès International de Droit Compare 1991, Canada, p. 3, en citant:

- Rober Merle et Andre Vitu, Traité de Droit criminel, Tome II, Procédure penale, 4e ed., Paris 1989, No. 130, p. 162 ss;

- Jean Pradel, procédure Pénale, 5e ed, Paris 1990, No. 292, p. 287 s.

- Gaspar Stefani, Georges Levasseur, Bernard Bouloc, procédure Penale, 14e ed., precis Dalloz Paris 1990, No. 36 p. 41 ss, exposent les limites à la liberté des preuves en droit français.

- Jean Pradel, les pouvoirs de la police judiciaire en droit français, revue Thémis (Montreal), 1990, 320 - 341.

- Cynthia Vroom, Laliberté individuelle au state de l'enquête de police en France et aux Etats - Nnis, revue de science criminelle et de droit pénal comparé (R.S.C.) 1988, 387 - 507.

مقتضی بعمل آورد.

در واقع، ماده ۸ قرارداد اروپایی حقوق بشر، حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، اقامتگاه و ارتباط مکاتبه‌ای را تضمین می‌کند.^۱ دخالت مقامات عمومی برای تضمین احترام به حقوق مزبور باید توسط قانون پیش‌بینی شده و امری باشد که در يك جامعه پیشرفته برای امنیت ملی، تأمین همگانی، اقتصاد کشور، نظم عمومی و پیشگیری از جرایم جزایی، حمایت از سلامت و اخلاق یا حمایت از حقوق و آزادی دیگران ضرورت دارد. در حقوق نوشته، نص قانون حقوق لازم‌الاجرا را تأمین می‌کند.

در واقع حقوق فرانسه اعم از مدون و غیر مدون، عمق و کیفیت اجرایی اختیارات مقامات را در این زمینه نشان نمی‌دهد.

اکنون در میان کشورهای با سیستم حقوق نوشته از نظر تعیین موقعیت ضوابط حاکم بر ابطال دلیل به اختصار به حقوق کشورهای آلمان، مجارستان، چکسلواکی، سوئد، بلژیک، هلند و پرتغال اشاره می‌شود.

۱- بطلان دلیل در حقوق آلمان: *علم انسانی و مطالعات فرهنگی*

در حقوق جمهوری فدرال آلمان، ضوابط ابطال دلیل (Beweis verbote) کشف حقیقت را محدود می‌سازند. اساس محدودیت مبتنی بر تشریفات

1- Toute personne à droit au respect de sa vie privée et familiale, de son domicile et de sa correspondance.

2- Il ne peut y avoir ingérence d'une autorité publique dans l'exercice de ce droit que pour autant que cette ingérence est prévue par le loi et qu'elle constitue une mesure qui, dans une société démocratique, est nécessaire à la sécurité nationale, à la sûreté publique, au bien-être économique du pays, à la défense de l'ordre et à la prévention des infractions pénales, à la protection de la santé ou de la morale, ou à la protection des droits et libertés d'autrui.

شکلی آیین دادرسی، یا قواعد مادی ناشی از حقوق اساسی مانند، لطمه بر کرامت انسان، نقض علایق خصوصی، آزادی تصمیم‌گیری در مورد تبادل ارتباطات مربوط به شخص، صدمات وارده بر آزادی مردم است. نقض این قواعد همیشه موجب بطلان آرای قضایی نمی‌گردد.

گزارشگر آلمانی می‌نویسد: «هیچ‌یک از مفاهیم مترقی نتوانسته است مساله را به‌نحو قانع‌کننده‌ای حل کند. بحث علمی در جستجوی ایجاد یک نمونه کلی مبتنی بر اصول است، در حالی که رویه قضایی در جهت نیل به یک تصمیم عادلانه در هر مورد خاص می‌باشد»^۱.

در حقوق جمهوری دموکراتیک آلمان، قواعد نفی در جهت تنظیم روابط فرد و اجتماع است.^۲

۲- ابطال دلیل در حقوق چکسلواکی :

قانون جدیدی در چکسلواکی، قواعد ابطال دلیل را در مواردی تنظیم نموده است، از جمله ضبط مکالمات تلفنی با شرایط بسیار سنگینی روبه‌رو شده است. تجدیدنظر در قانون آیین دادرسی کیفری، بهره‌برداری از دلیل حاصل از یک توقیف غیرقانونی یا تهدید به توقیف غیرقانونی را منع می‌کند (تعقیب معمول علیه مباشر چنین توقیف یا تهدیدی مستثنی است). گزارشگران می‌نویسند: «تجدید نظر در قانون، تحولات اجتماعی اخیر در چکسلواکی را منعکس نموده و تعهدات بین‌المللی در زمینه حقوق جزا را مورد نظر قرار می‌دهد»^۳.

1- Professeur Karl Heinz Gossel "Rapport sur le Droit de la République Fédérale d'Allemagne. cite dans le rapport General, p. 15 et s.

2- Professeur Horst Luther "Rapport sur le Droit de la République Démocratique Allmande" cité dans le rapport general p. 16.

3- Professeur Antonin Ruzek et Jiri Pipek et Viktor Knapp "Rapport National Tchecoslovaque" cité dans le rappoport general p. 16 et s.

۳- دلیل در حقوق سوئد :

قانون سوئد در مورد ضوابط حاکم بر ابطال دلیل ساکت است. رای دادگاه عالی سوئد در ۱۹۸۶ در يك مورد حاکی از آن است که دستیار يك آزمایشگاه، از خون راننده يك موتور سیکلت مظنون به مستی نمونه برداری می‌کند، در حالی که قانوناً پزشک ملزم به نمونه برداری بوده است. تجزیه خون، وجود الکل در خون را بیش از حد مجاز نشان داده و دادگاه دلیل را علی‌رغم اعتراض متهم پذیرفته است. بعد از رد اعتراض در مرحله استیناف، متهم به دیوان عالی متوسل و به این استناد که هیچ‌یک از مقررات حقوق اساسی نقض نگردیده است همچنان مقصر شناخته می‌شود. دستیار کاملاً قادر به نمونه برداری خون بوده و نتیجه تجزیه قابل قبول است. مع‌هذا گزارشگر نتیجه‌گیری می‌کند که در بعضی موارد تحصیل دلیل با نقض قانون، مردود است، ولی به شرط آنکه این نقض قانون مهم و جدی باشد.^۱

۴- موقعیت دلیل در حقوق بلژیک :

قانونگذار بلژیک قواعد دلیل در امور جزایی را به‌طور منظم مقرر نداشته است. در مقابل، دیوان جنایی سیستم دلایل معنوی یا ایمان قاضی را تجویز می‌نماید. انتخاب دلیل در مقابل تمامی مراجع قضایی آزاد است ولی این آزادی کافی نیست. قاضی اعتقاد خود را منحصراً بر دلایلی می‌تواند متکی سازد که صحیحاً در اختیار او قرار داده باشند و به بحث آزادانه حضوری طرفین نیز گذارده شده باشند. این دو امر الزامی، قواعد ابطال دلیل را به نحو مثبتی (در جهت احترام به حقوق و آزادی‌های فردی) در حقوق بلژیک بیان می‌کند. تشریفات دادرسی باید منطبق با قانون، حقوق دفاع و مقررات قرارداد اروپایی حقوق بشر باشد. گزارشگر بلژیکی می‌نویسد: «رویه قضایی تاکنون مجال صدور رأی در مورد قانونی

1- Dr. Bengt Lindell, "Rapport National sur le droit de la Suède" Rapport Général, p. 17.

بودن استراق سمع تلفنی به دستور یا با مجوز يك مقام قضایی بلژیکی را نداشته است. ولی گرایش کلی در جهت مردود شناختن دلیلی است که بدین طریق تحصیل گردیده باشد^۱.

رویه قضایی بلژیکی، عذر رفتار و گفتار تحریک آمیز پلیس را وقتی که متهمی را مصمم به ارتکاب جرمی نموده باشد می پذیرد، مانند ارتکاب جرم در مورد مواد مخدر تحت تأثیر تقاضای مصرانه شخصی که در مصمم ساختن دیگری به ارتکاب چنین جرمی مأموریت داشته یا وقتی دیگری را مستقیماً به ارتکاب جرم کشانده است. در مقابل، دیوان جنایی و دادگاهها، استناد به رفتار تحریک آمیز پلیس را در مواردی که اثر مداخله پلیس، تنها نسبت به جرم در جریان ارتکاب یا ارتکابی قبلی بوده رد کرده اند. بنابراین، رفتار تحریک آمیز برای اینکه غیرقانونی تلقی شود باید لزوماً قبل از ارتکاب جرم باشد.

نهایتاً دلیلی که بطور غیرقانونی تحصیل گردیده باید از پرونده و بحث و بررسی کنار گذارده شود و قاضی نباید اعتقاد خود را بر چنین دلیلی استوار سازد. يك رای مبتنی بر دلیل غیرقانونی باید نقض شود، به شرط آنکه محکومیت مبتنی بر دلایل دیگری که به طور قانونی جمع آوری گردیده اند نباشد.

بدین ترتیب رویه قضایی بلژیکی، به قبول قواعد ابطال دلیل گرایش دارد.

۵- ضوابط ابطال دلیل در حقوق هلند:

ماده ۶ قرارداد اروپائی حقوق بشر در حقوق هلند مورد توجه

1- Professeur Alain de Nauw "Rapport National sur le Droit Belge" Rapport

قرار گرفته است^۱.

در حقوق هلند، ضوابط حاکم بر ابطال دلیل، در رأی مورخ ۲۱ ژوئن ۱۹۶۲ دیوان عالی در مورد نمونه‌برداری خون از یک راننده متهم به مستی علی‌رغم اعتراض وی، قابل بررسی است. دیوان عالی در فقدان

۱- ماده ۶ قرارداد اروپائی حقوق بشر در مورد تضمین‌های یک دادرسی عادلانه مقرر می‌دارد:

1- Toute personne a droit à ce que sa cause soit entendue équitablement, publiquement et dans un délai raisonnable, par un tribunal indépendant et impartial, établi par la loi, qui décidera, soit des contestations sur ses droits et obligations de caractère civil, soit du bien-fondé de toute accusation en matière pénale dirigée contre elle. Le jugement doit être interdit à la presse et au public pendant la totalité ou une partie du procès dans une société démocratique, lorsque les intérêts des mineurs ou la protection de la vie privée des parties au procès l'exigent, ou dans la mesure jugée strictement nécessaire par le tribunal, lorsque dans des circonstances spéciales la publicité serait de nature à porter atteinte aux intérêts de la justice.

2- Toute personne accusée d'une infraction est présumée innocente jusqu'à ce que sa culpabilité ait été légalement établie.

3- Tout accusé a droit notamment à :

a) être informé, dans le plus court délai, dans une langue qu'il comprend et d'une manière détaillée, de la nature et de la cause de l'accusation portée contre lui;

b) disposer du temps et des facilités nécessaires à la préparation de sa défense;

c) se défendre lui-même ou avoir l'assistance d'un défenseur de son choix et, s'il n'a pas les moyens de rémunérer un défenseur, pouvoir être assisté gratuitement par un avocat d'office, lorsque les intérêts de la justice l'exigent;

d) interroger ou faire interroger des témoins à décharge dans les mêmes conditions que les témoins à charge;

e) se faire assister gratuitement d'un interprète, s'il ne comprend pas ou ne parle pas la langue employée à l'audience.

مبانی قانونی، چنین نمونه‌برداری را صدمه غیرقانونی نسبت به تمامیت جسمانی متهم دانسته است. غیر قانونی بودن دلیل، ناشی از نقض مقررات قانونی صریح یا اصول کلی حقوقی است. ولی عدم مشروعیت دلیل تحت شرایطی از جمله نفع متهم یا نفع بازجویی یا حوادث متعاقب هم مثل اقراری که بعد از يك تفتیش غیرقانونی بعمل آمده باشد محدود می‌شود.

به نظر گزارشگر ملی: «دیوان عالی هلند، هنوز جواب صریحی به این موضوع نداده است که موارد نقض قانون که دلیل را غیرقابل قبول می‌کنند کدام هستند؟ اتکای رویه قضایی بر مجموعه اوضاع و احوال در هر مورد خاص است^۱»:

۶- قواعد ابطال دلیل در حقوق پرتغال :

قانون اساسی جمهوری پرتغال، تضمیناتی را که آیین دادرسی کیفری باید فراهم کند یادآوری نموده است. در عین حال قواعد ابطال دلیل، بطور کامل در مجموعه قوانین آیین دادرسی کیفری که از اول ژانویه ۱۹۸۸ به‌مورد اجرا گذارده شده پیش‌بینی گردیده است. ماده ۱۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری، موارد ممنوعیت‌های دلیل را به شرح زیر اعلام نموده است:

۱- دلایلی که با توسل به شکنجه و جبر یا به‌طور کلی با صدمه به تمامیت جسمانی یا معنوی اشخاص تحصیل گردند باطل‌اند و نمی‌توانند مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

۲- دلایل تحصیل شده با وسایل زیر، حتی تراضی اشخاص، موجب صدمه بر تمامیت جسمانی یا معنوی تلقی می‌گردند :

1- Professeur P.J. Baauw, "Rapport sur le Droit Neerlandais" cité Dans le Rapport général p. 19.

الف) اخلال در آزادی اراده یا تصمیم‌گیری با توسل به بدرفتاری، تعرضات جسمانی به هر وسیله‌ای و خواب مصنوعی یا به کار بردن حيله و وسایل خشونت‌بار.

ب) اخلال، به هر وسیله، در قابلیت ذهنی و قوه تمیز و تشخیص.

ج) اعمال زور، در خارج از موارد و محدودیت‌های پذیرفته شده در قانون.

د) اعمال تهدید به میزانی که قانوناً قابل قبول نباشد و همچنین ممانعت از استفاده از امتیاز مقرر در قانون یا مقید ساختن استفاده فرد از آن به تحقق شرایطی.

ه) وعده امتیاز که قانوناً قابل قبول نباشد.

۳- دلایل تحصیل شده از طریق دخالت در زندگی خصوصی، اقامتگاه، مکاتبه، مخابرات بدون رضایت ذی‌نفع، ضمن حفظ موارد پیش‌بینی شده در قانون.

۴- وقتی کاربرد شیوه‌های تحصیل دلایل پیش‌بینی شده در این ماده منتهی به وقوع جنایت‌هایی شود، دلایل مزبور صرفاً به منظور تعقیب مرتکبین جنایات مزبور می‌توانند بکار گرفته شوند. رویه قضایی قلمرو واقعی مقررات مزبور را در آینده مشخص می‌نماید.^۱

فصل سوم - سیستم آزادی تحصیل دلایل در جرایم تعزیری و سیستم

دلایل قانونی در جرائم مستوجب حدود و قصاص

مقدمه :

جامعه انسانی در کوشش خود برای استقرار عدالت، سعی کرده است به وسایلی دست یابد که بتواند با کمترین اشتباه به کشف حقیقت نایل آید و

1- Madame Teresa Albes Martins "Rapport National Portugais" cité dans le Rapport général, p. 19 et s.

در این مورد به دو روش توسل جسته است.

نخست؛ جستجوی علم و یقین قضایی و مبتنی بر قواعدی که قانوناً از قبل تعیین و تنظیم شده‌اند و نظام دلایل قانونی را تشکیل می‌دهند. دوم؛ روشی که علم و یقین قضایی را مفهومی باطنی و معنوی و منبعث از وجدان و ضمیر کسی می‌داند که به‌طور مستقیم با امر کیفری سروکار دارد و به آن رسیدگی می‌کند. این روش تشکیل دهنده نظام دلایل معنوی یا ایمان قاضی است.^۱

خلاصه قسمتی از گزارش ملی (حقوق ایران) که در صفحه ۲۱ گزارش کل تقدیمی به‌کنگره آمده حاکی از آن است که بنا به نوشته گزارشگر ملی (ایران): «در حقوق موضوعه ایران، قانون مبتنی بر حقوق اسلام، انواع دلایلی را که در هر طبقه از جرایم باید پذیرفته شود متذکر شده است. بنابراین رژیم حقوق ایران در این مورد مبتنی بر سیستم دلایل قانونی است. ولی قوانینی نیز وجود دارد که مبتنی بر مقتضیات جامعه کنونی‌اند. قوانین مزبور در صورتی قابلیت اجرایی دارند که با مقررات اسلامی تناقض نداشته باشند.

نظام دلایل قانونی، قواعد ثابتی را مقرر می‌دارد و به قاضی نشان می‌دهد که حکم جزایی را بر اساس کدام سنخ از دلایل استوار نماید و بر دلایلی که مبنای حکم است چه شرایطی را بار نماید. قواعد مزبور، قاضی را ملزم به رعایت دقیق ضوابط می‌کند و هنگامی که علم و یقین حاصل در وجدان وی کاملاً منطبق بر قالب فرمولهای قانونی نیست حق اصدار حکم محکومیت را به وی نمی‌دهد. بنابراین، قانونگذار پیشاپیش و بر اساس یک برنامه کلی، ارزش اثباتی دلایل مختلف را تعیین می‌نماید. در این سیستم، قاضی باید کوشش نماید تا بر مقررات مربوط به دلیل آگاهی یابد و بنابراین مأموریت عمده‌اش کمک به تحصیل دلایل بررسی و بازبینی

۱- دکتر ایرج گلدوزیان «کیفیت تحصیل دلیل در حقوق جزای فرانسه» فصل‌نامه حق، مرکز مطالعات حقوقی و قضایی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، دفتر پنجم، فروردین خرداد ۱۳۶۵ صفحه ۱۴۲.

آنها و فراهم نمودن شرایط قانونی لازم برای صدور حکم است. بنابراین در مورد جرایم مستلزم حد، الزاماً دلایل قانونی مطرح هستند. دادگاه فقط در جلسهٔ محاکمه و به موجب دلایل قانونی معین که با رعایت موازین قانونی تحصیل گردیده‌اند می‌تواند به اتخاذ تصمیم مبادرت نماید. بدین لحاظ دادگاه باید مثلاً بر اساس اعتقاد و اطمینان به ادای شهادت‌اقامه شده متهم را محکوم کند یا با فقدان دلیل مبادرت به اعلام برائت وی نماید.

با وجود این، در مورد جرایم تعزیری علی‌الاصول دلایل از قواعد «تئوری عمومی دلیل پیروی می‌کنند». در این امر به کشف حقیقت و حمایت افراد در مقابل خطر ناشی از ورود صدمات خودسرانه به آزادی و محکومیت‌های مبتنی بر اشتباه قضایی توجه شده است، به نحوی که در عین حال بزهدکار را نیز در سوءاستفاده از این تضمینات در جهت از بین بردن دلیل مجرمیت خود مانع شود. به هر حال طریق تحصیل دلیل باید همیشه صادقانه و مبتنی بر قانون باشد.

معمولاً دادگاه ملزم به قبول شکایتی است که متکی به تعداد معینی شهود یا متضمن اقرار متهم باشد. ولی، در عین حال، قاضی موظف است ضوابط مقرر در قانون را در جهت احراز عدالت و صداقت شهود یا اقرار متهم رعایت کند (موارد شروع به رسیدگی در امور کیفری در مواد ۲۲ به بعد قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوانعالی کشور مصوب ۱۳۶۸ پیش‌بینی شده است). با فقدان دلیل کافی در امور کیفری، نهایتاً اصل برائت حاکم و مرجع قضایی ملزم به صدور حکم برائت خواهد بود.

۱- با وجود این، گزارش کتبی ضابطین دادگستری و مامورین تحقیق در امور کیفری و گواهان به شرط داشتن عدالت و حداقل دو نفر بودن وقتی خلاف علم قطعی قاضی نباشد معتبر است (ماده ۲۶۰ قانون اصلاح‌موادی از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۶ شهریور ۱۳۶۱).

دلایل اثبات جرم، از قبیل گواهی، اقرار، سوگند، نوشته و علم قاضی، بر حسب انواع جرایم متفاوت بوده و در حقوق ایران قابل استناد می‌باشند. اکنون ابتدا به مطالعه حاکمیت دلایل قانونی در جرایم حق‌اللهی (حدود) و سپس به بررسی انواع دلایل در جرایمی که دارای هر دو جنبه حق‌اللهی و حق‌انسانی هستند، یعنی جرایمی که ضمن لطمه بر منافع خصوصی افراد نظم عمومی را نیز به مخاطره می‌اندازند، می‌پردازیم. با توجه به موضوع مطروح در کنگره بین‌المللی، قسمت دیگری از تحقیق به بررسی ضمانت اجرای قانونی در قبال دلایل تحصیل شده به وسایل غیر قانونی اختصاص داده می‌شود.

قسمت اول؛ حاکمیت دلایل قانونی نسبت به جرایم مبتنی بر قرآن یا حکومت اسلامی :

قرآن مجید، تعدادی محدود از جرایم را که مستوجب مجازات‌های ثابت و معینی به عنوان «حد» و «قصاص» می‌باشند پیش‌بینی نموده است. قانونگذار ایران، طی مواد ۷ تا ۱۱ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱، مجازات‌ها را بر حسب نوع جرایم به چهار نوع، یعنی حدود و قصاص و دیات و تعزیرات، تقسیم نموده است. به علاوه، قانون حدود و قصاص و مقررات آن و همچنین قانون مجازات اسلامی دیات مصوب ۱۳۶۱ جرایمی را که منشأ اصلی آنها قرآن مجید است پیش‌بینی نموده است.

بخش اول؛ انواع دلیل در جرایم علیه تمامیت جسمانی :

این قبیل جرایم عبارت‌اند از قتل عمدی (با قصد قبلی یا بدون آن)، قتل شبیه عمد (مانند ایراد ضرب و جرح عمدی منتهی به فوت (اتفاقی) بدون قصد سلب حیات)، قتل غیر عمدی ناشی از ضرب و جرح غیر عمدی، جراحات عمدی و غیر عمدی.

وسایل ثبوت این قبیل جنایات (جرایم علیه تمامیت جسمانی) بر طبق مواد ۲۷ به بعد قانون حدود و قصاص عبارتند از:

- اقرار
- شهادت
- قسامه
- علم قاضی

یقین مطلق بر ارتکاب جرم فقط بوسیله تحصیل دلایل قانونی مذکور در بالا حاصل می‌شود و شك و تردید به نفع متهم است.

اقرار به عنوان دلیل در امور کیفری؛ طبق ماده ۲۸ قانون امور د بحث، با اقرار به قتل عمد، گرچه يك مرتبه هم باشد، قتل عمد ثابت می‌شود. ولی اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده عاقل، بالغ و دارای قصد و اختیار باشد. بدین ترتیب اقرار دیوانه و مست، کودک، فرد مجبور و اشخاصی که فاقد قصد هستند (مانند ساهی، هازل، نائم، بیهوش) نافذ نیست (ماده ۲۹ قانون مزبور).

بدین ترتیب به ویژه اقرار مأخوذه به وسیله اجبار یا تهدید فاقد اعتبار بوده و محکومیت مستند بر چنین اقراری در معرض بطلان است.

مع هذا، اقرار وقتی از جهت اثبات جرم معتبر است که در جهت کشف حقیقت باشد و لذا قاضی وقتی اقرار را می‌پذیرد که هیچگونه تردیدی در صحت آن نداشته باشد. در همین جهت ماده ۳۲ قانون حدود و قصاص ضمن تجویز خودداری قاضی از قبول اقرار مبتنی بر توطئه مقرر می‌دارد: «اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار کند و پس از آن دیگری به قتل عمدی همان مقتول اقرار نماید، در صورتی که اولی از اقرارش برگردد قصاص یا دیه از هر دو ساقط است و دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و این در حالی است که قاضی احتمال عقلایی ندهد که اقرار دومی توطئه‌ای برای رهایی اولی بوده است». در برخی از جوامع اسلامی که اصل

۱- دکتر ایرج گلدوزیان «حقوق جزای اختصاصی» جرائم علیه تمامیت جسمانی، اموال، امنیت و آسایش عمومی» جلد اول، چاپ دوم از انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹ صص ۷۵ به بعد.

تعاون و همبستگی بین افراد يك قوم و قبیله به شدت حاکم است صحت اقراری که بتواند دلیل قطعی مجرمیت تلقی گردد بایستی از هر جهت مورد توجه و دقت قاضی باشد.

۲- دلیل منتج از شهادت (گواهی):

شهادت عبارت است از اخبار صحیح از وقوع امری به منظور اثبات آن در جلسه دادگاه. شهادت از وسایل مهم اثبات دعوی جزایی است. اصولاً برای روشن شدن مذاکرات و شناخت وقایع، روی همین نوع دلیل است که زیادتکیه شده و اعتقاد قاضی براساس آن شکل می گیرد. بنابراین دفاع اصحاب دعوی از طریق رد گواهان و ایراد به بیانات، صلاحیت و شخصیت شهود از جهت سلب اعتبار ارزش قضایی از شهادت حایز کمال اهمیت است.^۱

معمولاً در صورت انکار اتهام توسط متهم، دادگاه به وسایل اثبات دیگر از جمله شهادت متوسل می شود. طبق ماده ۳۳ قانون حدود و قصاص قتل عمد با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود ولی انواع دیگر قتل (شبه عمد یا خطا) با شهادت دو مرد عادل یا يك مرد عادل و دو زن عادل یا يك مرد عادل و قسم مدعی ثابت می شود. بنابراین اعتبار شهادت يك زن، نصف اعتبار شهادت يك مرد را دارد. شاهد باید عادل باشد. بعد از ادای شهادت، متهم و شاکی، عدالت شاهد را می پذیرند یا رد می کنند. در واقع اماره «حسن اخلاق و رفتار» شاهد، مبنای اماره قانونی «حقیقت شهادت» است. طرف دعوی کیفری تمامی وسایل اثبات را برای زایل ساختن این اماره حقیقت با تعرض به اماره «حسن اخلاق و رفتار» در اختیار دارد.

۱- دکتر ایرج گلدوزیان «حقوق جزای اختصاصی» جرائم علیه تمامیت جسمانی، اموال، امنیت و آسایش عمومی. جلد اول، چاپ دوم، انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹ صفحات ۷۵ به بعد.

۳- قسامه و سوگند در امور کیفری :

بین سوگند عادی و قسامه از لحاظ اعتبار دلیل باید قایل به تفکیک و تمیز شد.

الف) سوگند عادی :

در امور مدنی، در مقابل استناد به شهادت که در اصل با مدعی است، مدعی علیه که در مقام انکار قرار می‌گیرد ملزم به ادای سوگند است. حال چنانچه مدعی علیه از ادای سوگند خودداری کند و قسم را نیز به طرف دیگر رد ننماید با سوگند مدعی پرونده به زیان مدعی علیه تمام و او محکوم به بی‌حقی می‌شود (ماده ۱۳۲۸ قانون مدنی).

ولی در امور کیفری، امتناع از ادای سوگند موجب برای اعمال مجازات نیست و این فقط اقرار صحیح است که اجرای مجازات را ممکن می‌سازد. اقرار غیر صریح خود موجب بقای شك و تردیدی است که به نفع متهم بوده و بنابر قاعده «الحدود تدرء بالشبهات» در چنین مواردی کیفرهای قانونی حدود منتفی می‌شود و بدین لحاظ امتناع از ادای سوگند مانع صدور حکم برائت نیست.

مع‌هذا، سوگند به عنوان دلیلی برای احراز ضرر و زیان مدنی ناشی از جرم قابل قبول است و دادگاه می‌تواند با توجه به خودداری متهم از ادای سوگند، استرداد اشیاء را با عدم احراز سرقت یا پرداخت دیه را توسط سبب با عدم احراز قتل عمدی مورد حکم قرار دهد (طبق تبصره ماده ۱۶ قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوانعالی کشور مصوب ۱۳۶۸ در صورتی که دعوی جزائی در دادگاه کیفری منتهی به صدور حکم برائت متهم یا اقرار موقوفی تعقیب شود دادگاه مزبور مکلف است به دعوی حقوقی، در صورتی که در دادگاه کیفری مطرح شده باشد، رسیدگی کرده و رأی صادر نماید).

سوگند تحت شرایطی موجب سقوط قصاص می‌گردد. طبق ماده ۳۴ قانون حدود قصاص هرگاه یکی از دو شاهد عادل گواهی دهد که متهم اقرار به قتل عمدی نمود و دیگری گواهی دهد که متهم اقرار به قتل کرد

و به قید عمد گواهی ندهد اصل قتل ثابت می‌شود و متهم مکلف است نوع قتل را بیان کند. اگر اقرار به عمد نمود قصاص می‌شود و چنانچه منکر قتل عمد باشد و قسم یاد کند قصاص از او ساقط است.

قابل ذکر است که سوگند توأم با شهادت جایگزین لزوم دو شاهد برای اثبات وقایع می‌گردد. بنابراین، هنگامی که عدّه شهود قانوناً برای شهادت کافی نباشد، مدعی می‌تواند برای تکمیل شهادت به ادای سوگند مبادرت نماید. در حقوق جزای ایران بر طبق بند (ب) ماده ۳۳ قانون حدود و قصاص و مقررات آن، قتل شبهه عمد یا خطا با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دوزن عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت می‌شود.

ب) قسامه به عنوان دلیل :

برابر اصول مورد قبول در سیستم جزای اسلامی، قسامه نوعی سوگند است که در موارد مشخصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع قسامه عبارت است از ادای سوگند به وسیله ۵ نفر ساکن محلی که جسد مقتول در آنجا یافت شده مبنی بر اینکه مرتکب جنایت نشده و اطلاعی از قاتل ندارند. به عنوان مثال می‌توان حالتی را فرض کرد که در محل مسکونی جنازه بیگانه‌ای کشف شود و در آنجا هیچکس قاتل را معرفی نکند، آنگاه کسان مقتول سوگند را به پنجاه نفر از ساکنین به انتخاب خود واگذار نمایند. مواد ۳۵، به بعد قانون حدود و قصاص موارد ارث و استعمال قسامه را به عنوان دلیل مشخص نموده است. توجیه قسامه، مسئولیتی است ناشی از حضور شخص با آثار و علائم جرم در محلی که جسد مقتول در آنجا یافت شده است: کشف یک جسد در محل تردد یا اقامت اشخاص معین. طبق ماده ۳۸ قانون مزبور در موارد لوث ابتدا از مدعی علیه (متهم) شهود معتبر خواسته می‌شود و اگر متهم شهود نداشته باشد، مدعی می‌تواند برای اثبات مطلب خود چهل و نه نفر مرد از خویشان و بستگان خود را که از وقوع قتل آگاهی داشته باشند دعوت کند تا به اتفاق او جهت اثبات دعوی قسم یاد کنند و چنانچه تعداد آنها کمتر از حد نصاب باشد قسم را

تکرار کنند تا پنجاه قسم تکمیل شود و اگر مدعی بستگانی ندارد یا بستگانش آگاهی ندارند یا حاضر به قسم نیستند خود مدعی می‌تواند پنجاه بار سوگند یاد کند تا دعوی او ثابت گردد.

۴- علم قاضی :

ماده ۲۷ قانون حدود و قصاص صراحتاً علم قاضی را به‌عنوان چهارمین وسیله اثبات قتل معین نموده است. به‌علاوه ماده ۱۲۰ قانون مزبور نیز به قاضی دادگاه اجازه می‌دهد که به‌علم خود در حق‌الله و حق‌الناس عمل کند و حد الهی را جاری نماید. ولی لازم است مستند علم را ذکر کند. در واقع برای اثبات هر جرمی که در آن به‌علم قاضی تصریح شده است یا قانون در آن مورد ساکت است علم قاضی می‌تواند مستند قرار گیرد، ولی در جرمی مثل زنا که راههای اثبات آن منحصرأً اقرار و شهادت است دیگر علم قاضی نقشی ندارد.

بخش دوم - انواع دلیل در جرایم مستوجب حد :

جرایم زنا، لواط، مساحقه، قوادی، قذف، شرب خمر، محاربه و افساد فی الارض و سرقت، جرایم مستوجب حد می‌باشند. تحقق هر یک از جرایم مذکور مستلزم جمع شرایطی است که با راههای ثبوت معین و غیر قابل تغییر قلمرو اجرایی آنها عملاً محدود گردیده و در نتیجه احراز چنین جرایمی با اشکال مواجه است. شک و تردید به نفع متهم بوده و موجب صدور حکم برائت می‌شود.

(۱) دلایل احراز زنا :

مواد ۸۵ به بعد قانون حدود و قصاص، وسایل اثبات زنا را در دادگاه پیش‌بینی نموده است. قانون از ضوابط شرعی متابعت و شرایطی را مقرر نموده که ارائه دلیل را تقریباً غیر ممکن ساخته است. برای اثبات زنا شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل با دو زن عادل لازم است. گواهی شهود باید روشن و بدون ابهام و مستند به مشاهده باشد. در بیان خصوصیات

مورد شهادت، شهود نباید از لحاظ زمان یا مکان و مانند آن اختلاف داشته باشند. علاوه بر شهادت، دومین وسیله اثبات زنا، اقرار است. اقرار وقتی برای احراز زنا اعتبار دارد که در چهار جلسه با فواصل زمانی مجزا بعمل آید. طبق ماده ۸۵ قانون مزبور اقرار کمتر از چهار بار مستوجب تعزیر است.

(۲) راههای ثبوت شرب خمر :

دلایل مورد قبول قانونگذار برای اثبات شرب خمر (بر اساس ضوابط شرعی که استعمال مواد الکلی را مستوجب کیفر حد می‌داند) بر حسب مواد ۱۲۶ و ۱۲۸ قانون حدود و قصاص عبارتند از :

- دوبر اقرار
- شهادت انحصاراً دو مرد عادل.

(۳) اقدام علیه امنیت و نظام دولت (اسلامی):

در مورد محاربه و افساد فی الارض راههای اثبات مبتنی بر اقرار و شهادت و بر طبق ماده ۲۰۱ قانون حدود و قصاص به شرح زیر است:

- يك بار اقرار به شرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و اقرار او با قصد و اختیار باشد.
- شهادت فقط دو مرد عادل.

سارق مسلح و قطاع الطريق که با اسلحه امنیت مردم و جاده را بهم بزند و رعب و وحشت ایجاد کند محارب شناخته می‌شود (ماده ۱۹۷ قانون مزبور). در مراجع قضایی شایعات و شواهد کم و بیش مسلم فقط در موارد محارب و سارق مسلح و قطاع الطريق که حکم محارب را دارد به عنوان «دلیل» عملاً قبول شده است. زیرا برای تحصیل دلیل در جرم راهزنی اشکالات قابل ملاحظه‌ای وجود دارد ولذا حجت بودن شایعه (شیاع) ممکن شده است. به علاوه، مجازات سنگین خصوصیت اربعی و بازدارندگی دارد.

بنابراین کافی است در این قبیل جرایم هویت متهم و شایعات مربوط به ارتکاب عمل راهزنی و محاربه که به‌وی نسبت داده شده احراز گردد. برای اجتناب از خطر اشتباهات قضایی، شخصی که در معرض شایعات دروغین است می‌تواند با معرفی خود در پوشش ضوابط عمومی تئوری دلیل از جمله اصل برائت و قاعده‌البینه علی‌المدعی قرار گیرد. در این صورت دادگاه دلایل قانونی از قبیل اقرار و شهادت را علیه متهم به‌کار می‌گیرد.

۴) دلایل سرقت :

در سرقت مستلزم حد، که ضمانت اجرای آن قطع دست است، وقتی کیفر مزبور مورد حکم قرار می‌گیرد که شرایطی جمع باشد. بطور مثال باید ارزش مال مسروقه از مقدار معینی زیادتر باشد، مال باید در حرز قرار گرفته و واقعاً متعلق به فرد معینی بوده و سرقت تحقق یافته باشد. راههای ثبوت سرقت مستلزم حد بر حسب ماده ۲۱۶ قانون حدود و قصاص عبارتند از :

- شهادت دو مرد عادل.
- دو مرتبه اقرار سارق نزد قاضی به شرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد.
- علم قاضی.

بخش سوم - قلمرو دلایل در جرایم مستلزم تعزیر :

جرایم مستوجب تعزیر، تا اندازه‌ای حدود را تکمیل می‌کنند. منبع کیفر جرایم تعزیری قرآن مجید نمی‌باشد، لیکن قوه مقننه دولت اسلامی می‌تواند بر حسب مقتضیات زمان و مکان و نظم عمومی به تعیین کیفرهای تعزیری به شرط عدم مغایرت با موازین اسلامی مبادرت نماید. بنابراین، قواعد عمومی تئوری دلیل که علی‌الاصول در مجموعه قوانین آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده‌اند قابلیت اجرایی دارند.

قسمت دوم - آثار تحصیل دلیل به طرق غیر قانونی

بخش اول - کیفیت تحصیل دلیل در قبال تضمینات حق دفاع

۱- اختیارات دادسرا (مرجع اتهام) :

تأمین دفاع جامعه و فواید اعمال کیفر ایجاب می کند که از نظر تحصیل دلیل در امور کیفری، کلیه دلایل، در جهت شناسایی بزهکار و شناخت صحیح اوضاع و احوال جرم به منظور تعیین وصف مجرمانه رفتاری که باید مورد تعقیب و مجازات قرار گیرد به کار گرفته شوند.

۲) علل و جهات توسل به دلایل مؤثر در اثبات جرم :

جهات مشروحه زیر استناد به دلایل مؤثر را در تحصیل دلیل در امور جزایی توجیه می کنند:

الف) اقتضای دفاع جامعه علیه بزهکاری.

ب) تکلیف دادسرا در تحمل بار دلیل که بطور کامل بر عهده مرجع اتهام مزبور است.

ج) امتیاز سهم در برخورداری از فرض بیگناهی (اصل برائت).

د) احترام به اصل شك و تردید به نفع متهم (تدرء الحدود بالشبهات).

ه) تکلیف قضات در جمع آوری هر گونه اطلاع مفید به کشف حقیقت.

و) مشکلات عملی جمع آوری دلایل مجرمیت، در شرایطی که مباشر

جرم به طور غیر علنی و مجرمانه اقدام نموده و سعی در محو نمودن آثار و علایم مجرمیت خود دارد.

وسایل تحقیق و تفتیش و بازرسی مؤثر در اختیار دادسرا قرار گرفته

است. از مهم ترین وسایل مزبور اختیار و حتی تکلیف به تحقیق و تعقیب

متهم در مواردی خاص توسط ضابطین دادگستری یا بازپرس است که شامل

اختیارات زیادی چون حبس موقت متهم (علی رغم وجود فرض بی گناهی

به نفع متهم) بازرسی و ضبط اموال ناشی از جرم، جمع آوری دلیل در

موارد جرم مشهود، استماع شهود، تحقیق و بازپرسی از مباشر یا مرتکبین جرم می‌باشد.

بخش دوم - تضمینات قانونی در قبال سوء استفاده از اختیارات

۱- بطلان دلیل :

اختیارات دادسرا (به نمایندگی جامعه) آن‌چنان وسیع و علیه متهم است که ایجاب می‌کند قانونگذار تضمینات مهمی در قبال سوء استفاده از اختیارات مرحله تعقیب و تحقیق قایل شود. رعایت تشریفات الزام‌آور قانونی متهم را در قبال توسل به فریب و حيله و هر نوع فشاری در جریان استنتاج حمایت می‌کند. نقض قواعد مزبور معمولاً موجب بطلان دلیلی می‌شود که به این طریق تحصیل شده است.

۲- ضمانت اجرای جزائی :

علیه کسی که به وسایل نادرست و غیر صادقانه از قبیل اخذ اقرارهای فریبکارانه از طریق استراق سمع بابه کارگیری میکروفون یا ضبط مکالمات تلفنی متوسل گردیده ضمانت اجرای جزایی پیش‌بینی شده است.

بخش سوم - ضمانت اجرای کیفری در قبال تحصیل دلیل به طرق غیر قانونی :

۱- ضوابط قانونی صداقت در تحصیل دلیل :

در قوانین عادی و قانون اساسی، تضمینات قانونی برای تامین صداقت در تحصیل دلیل در حقوق ایران پیش‌بینی شده است. زیرا فرض بر این است که هر جا که نتوان دلیل ارتکاب یک جرم را به طرق قانونی بدست آورد، عدالت وجود ندارد. بنابراین، قانون ایران در جهت احترام به حاکمیت صداقت در تحصیل دلیل است.

بدین ترتیب اعمال شکنجه واذیت و آزار برای کسب خبر و اطلاع و حتی اقرار متهم ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند قانوناً مجاز نبوده و اعتباری ندارد.

اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحتاً مقرر می‌دارد: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

در مورد استراق سمع از طریق نصب میکروفون یا نصب وسایل تجسسی بر روی خطوط تلفن اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».

۴- ضمانت اجرای حقوقی تحصیل دلیل در خارج از موارد پیش‌بینی شده در قانون

الف) ضمانت اجرای استفاده از وسایل غیر صادقانه :

طبق ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات هریک از مستخدمین و مأمورین دولتی که مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط و یا استراق سمع نماید یا اینکه بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا کند محکوم به انفصال از شغل خود و شلاق تا ۷۴ ضربه یا حبس از شش ماه تا سه سال خواهد بود.

با توجه به مقررات کلی و عملکرد مراجع قضائی (بدون اینکه نص قانونی خاصی موجود باشد) موارد مجاز عبارتند از ضبط مکالمات تلفنی توسط پلیس بر حسب اجازه یا دستور مقامات دادسرا و بازپرس.

ب) ضمانت اجرای جزایی برای اخذ اقرار به عنف :

برابر ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات هرگاه یکی از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولت برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی کرده یا در این باب امری دهد به حبس از شش ماه الی سه سال محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مرتکب مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

با توجه به مراتب بالا، در امور جزایی، حقوق اسلام مأخذ و مبنای اصلی قانونگذار ایران است. قوانینی هم وجود دارند که در جهت تأمین مقتضیات جامعه امروزی هستند، ولی اعتبار آنها تا جایی است که با موازین اسلامی مغایرت نداشته باشند.

در مورد جرایم مستلزم حد، دلیل قانونی (یا شرعی) است و دادگاه فقط در جلسه رسیدگی ضمن بررسی و احراز همان دلایل معین قانونی که ارائه شده است وقوع جرم و انتساب آن را به متهم تحقق یافته تلقی و به صدور حکم مبادرت می‌نماید. بطور مثال دادگاه با وجود شهادت به عنوان دلیل معین قانونی باید متهم را محکوم کند یا با فقدان آن متهم را تبرئه نماید.

مع‌هذا در مورد جرایم مستلزم تعزیر، دلایل از قواعد عمومی «تئوری دلیل» متابعت می‌نمایند. در این صورت کشف حقیقت و حمایت افراد در قبال خطر ناشی از تجاوز به آزادی آنها و همچنین محکومیت مبتنی بر اشتباهات قضایی (و در عین حال ممانعت بز هکار در سوء استفاده از تضمینات مزبور برای محو دلیل مجرمیت) در نظر گرفته می‌شود.

نتیجه

از بررسی گزارش‌های ملی چنین نتیجه می‌شود که در سیستم کامن‌لا ضوابط ابطال دلیل از اهمیت کمتری برخوردار بوده و روبه‌زوال است. در مقابل در کشورهای حقوق‌نویسته سعی می‌شود تضمینات یک دادرسی عادلانه را در جهت ماده ۶ قرارداد اروپایی حقوق بشر توسعه دهند. در حقوق مبتنی بر مذهب ایران تضمینات قانونی در مورد ابطال دلایل تحصیل شده به‌طریق غیرقانونی وجود دارد.

وجه مشترک تقریباً تمامی گزارش‌های ملی موقعیت و اهمیت رویه قضایی نسبت به قواعد حاکم بر ابطال دلیل است. ولی در حقوق ایران که تابع سیستم دلایل قانونی است رویه قضایی نقش کمتری دارد.